



[به نام خدا]

نگارش خلاق
دکتريوسف لو





فصل اول

کتاب و نویسندگان

نویسنده ویژگی های او:

نویسنده گی را از راه بسیار خواندن آثار نویسندگان بزرگ و موفق، و بسیار نوشتن بهتر می توان آموخت تا کتاب هایی درباره ی نویسندگی، با این همه، برای نویسنده، ویژگی هایی بر شمرده اند که برخی از آنها طبیعی و ذاتی و برخی اکتسابی هستند: حواس و ادراک های حسی، حافظه، تخیل، استدلال، دقت، شوق نویسندگی، تسلط بر موضوع، شناخت منابع و مراجع، شناخت خواننده، رسالت و تعهد، کاربرد درست زبان و انتقاد پذیری.

حواس و ادراک حسی :

پایه و اساس تمامی دانش ها و آگاهی های مادیده ها، شنیده ها، خوانده ها، تجربه ها و بکار بستن های ماست و پایه همه اینها بهره گیری از حواس و ادراک حسی است. تشبیه، استعاره، وصف اشخاص و مکان ها، نقاشی و دیگر هنرهای زیبارامدیون حواس و ادراک حسی هستیم. نویسنده ای که لذت و درد و شادی ورنج را خود احساس نکند، نویسنده ای که کسی یا جایی یا چیزی را وصف کند که خود ندیده است، نویسنده ای که از شنیده یا آوایی سخن می گوید که خود نشنیده است، بیانگر احساسات دیگران است، نه یک نویسنده خلاق.

حافظه:

دست یافتن به تجربه هاودانش های گذشته
و حال و به یاد آوردن و بهره گیری از آنها پایه ی
کاریک نویسندہ است.
حافظه ای پایدار و مطمئن و امانتدار به نویسندہ
کمک می کند تا هم دانسته هایش را به یاد بیاورد
و هم بداند که آنها
را از که شنیده و یاد رکدام کتاب خوانده است
و باید به کدام منابع و مراجع روی آورد.

تخیل:

تخیل یک عمل ذهنی است. هنگامی که ادراک حسی در میان نباشد. ذهن، آنچه را که پیشتر احساس کرده به یاری حافظه در تصور و خیال فرامی خواند. بسیاری از شاهکارهای ادبی و هنری را مادیون تخیل پدید آورندگان آنها هستیم که بذای نخستین بار اندیشه ی دست یافتن به آن از ذهنشان گذشته است و این اندیشه را بر روی کاغذ آورده اند.

استدلال:

نویسنده ای که درنوشتن به استدلال خو کرده باشد، کنجکاو و پژوهشگراست، درست فکرمی کند و فکر واندیشه معقول را به دنبال هم نظم وترتیب می دهد وبرروی کاغذمی آورد.

دقت:

دقت، ادراک حسی، حافظه، تخیل واستدلال را به نهایت می رساند. نوشته ای که از دقت بی بهره باشد نه تنها خواندنی نیست، بلکه گمراه کننده است.

شوق نویسندگی:

➤ کسی که شوق نویسندگی دارد توانایی ها و ناتوانی های خود را در نوشتن می شناسد، خواننده اش را می شناسد، در میان مردم زندگی می کند و خود را یکی از آنها که خواننده اثرش خواهند بود می داند، فقط برای این نمی نویسد که از راه نوشته با ذهنیات خویش ارتباط پیدا کند، نویسنده ای که فقط برای رسیدن به شهرت می نویسد یا سفارش پذیر و حقوق بگیر در کار نویسندگی است، از یاد می برد که نوشته اش متعلق به مردمی است آن را می خوانند.

تسلط بر موضوع:

اگر نویسنده ای نمی داند که چه می نویسد، دقت و تلاش خود خواننده اش را تباه کرده است. برای اینکه نویسنده خوبی باشی باید خواننده خوبی باشی و هرچه بیش تر کتاب بخوانی. تنه راه تسلط بر موضوع، مطالعه زیاد است.

شناخت منابع و مراجع:

نویسنده می تواند بابت بهره گیری از منابع و مراجع گوناگون تسلطی بیشتر بر موضوعی که می خواهد درباره آن بنویسد بیابد. شناخت منابع و مراجع به نویسنده این فرصت را می دهد تا پیش از آن که به نوشتن درباره موضوعی بپردازد دریابد که تا آن زمان در آن زمینه دیگران چه نوشته اند و کم و کیف آن نوشته ها چیست.

شناخت خواننده:

➤ نویسنده باید بداند برای که می نویسد، دانش پایه خواننده اش در زمینه ای که برای او می نویسد به چه میزان است، نیازش و میزان درک و فهمش از زبان و بیان و موضوع نوشته چیست؟ برای رسیدن به این هدف نویسنده ناگزیر است که به هنگام تهیه طرح نوشته اش به بررسی و پژوهش بپردازد. اگر نوشته برپایه شناخت خواننده استوار نباشد، نباید انتظار داشت که چنین نوشته ای خوانده و فهمیده شود.

رسالت و تعهد:

نویسنده باید در شمار کسانی باشد که رسالت دارند ملّتی را بانوشته خود به اوج معنویت برسانند، نیروی اندیشیدن به آنها ببخشند و اندیشه هایشان را گسترش دهند و پربار کنند. اگر نویسنده ای خود از اندیشیدن بی بهره باشد، نوشته اش نیز سراسر غرق در فقر اندیشه خواهد بود. نویسنده باید خود را مدیون مردم بداند زیرا به او نیازمندند.

انتقاد پذیری:

نویسنده باید همواره در پی نظر جویی از خوانندگانش برآید و درست و نادرست و نیک و بد کارش را بشناسد تا به کمال برسد. نویسندگانی که پرسشنامه ای همراه نوشته شان برای خواننده می فرستند و از آنها نظرمی خواهند و از این نقدها درساخت و پرداخت نوشته خویش سودمی برند بی گمان نویسندگان موفق تری هستند.

کاربرد درست زبان:

■ نویسندگان باید به زبانی که در نوشتن به کار می برد تسلط داشته باشد. باید بدانند که برای هر گروه چه کازه هایی به کار گیرند تا هم وسیله ای برای بیان مقصود باشد و هم فهم و درک را برای خواننده دشوار نکند. واژه ها و اصطلاح های دشوار را به گونه ای بیان کند که شبهه ای در فهم آنها برای خواننده باقی نگذارد.

پایان